

گفت‌وگویی صبا با اردشیر کامکار، سرپرست گروه و نوازنده پرسابقه کمانچه

موسیقی کردی چگونه که باید شناخته نشده است

اردشیر کامکار یکی از هنرمندان با سابقه در عرصه موسیقی به شمار می‌رود. او نوازنده کمانچه و یکی از اعضای گروه «کامکارها» است که در این سال‌ها صرف نظر از فعالیت در گروه کامکارها به ساخت قطعات بسیار و نگارش کتاب‌های متعددی در زمینه ساز کمانچه پرداخته است. این هنرمند طی روزهای اخیر به همراه گروه خود به اجرای کنسرت پرداخت که شاهرخ هدایتی خوانندگی آن را به عهده داشت. در این کنسرت، قطعاتی چون «مامه کرنو»، «لانکوله»، «شکوفه باغ رعنائی»، «گر میانی»، «مکتب»، «سیرانه من» و... اجرا شد. خبر نگار صبا در حاشیه برگزاری این کنسرت که پنجشنبه ۱۰ آبان ماه در تالار وحدت اجرا شد با اردشیر کامکار به گفت‌وگو نشسته است که در ادامه می‌خوانید.

آزاده صالحی
گفت‌وگو

در سال‌های اخیر به باور بزرگان موسیقی، موسیقی اصیل ایرانی به دلایل مختلف، بیش از پیش در انزو و قرار گرفته و به حاشیه رانده شده است. با این حال فکری کنید برگزاری کنسرت‌هایی از این دست چقدر می‌تواند در احیای موسیقی ایرانی نقش داشته باشد؟

البته موسیقی‌ای که مادر کنسرت اخیر اجرا کرده‌ایم سنتی نبوده و اکثر قطعات، تنظیم شده کردی هستند؛ منتهی با آنسامبل سازهای ملی. در باره موسیقی اصیل ایرانی که اشاره کردید من هم معتقدم در سال‌های اخیر واقعا نسبت به این نوع موسیقی و هم موسیقی نواحی و قومیت‌های مختلف کم لطفی شده است. چه به لحاظ تبلیغاتی و چه از نظر حمایتی. به خصوص این که برگزاری کنسرت در این سال‌ها به مراتب سخت‌تر هم شده و پروسه دریافت مجوز و تأیید گروه موسیقی، یک پروسه طولانی را طلب می‌کند. به طوری که گاهی در این مسیر، خسته و پشیمان می‌شوم و به خودم می‌گویم اگر کنسرت برگزار نکنم بهتر است! اگر تا امروز این نوع از موسیقی به حیات خود ادامه داده، فقط و فقط به خاطر حمایت‌های مردمی بوده است که پشتوانه ما در این مسیر به شمار می‌رود تا انگیزه برگزاری کنسرت داشته باشیم. به خصوص این که امروز بخش وسیعی از تبلیغات موسیقی به دست مافیای قدرت است و طبیعی است آن‌طور که باید نمی‌توانیم به هنگام برگزاری هر کنسرت به تبلیغ بپردازیم. اگر مردم هم از این نوع موسیقی حمایت نکنند، به طور کامل این سبک کار تعطیل می‌شود. الان بزرگان موسیقی که نام و نشانی دارند و سال‌ها برای روشن نگه داشتن چراغ موسیقی این مملکت خون دل خورده‌اند، بیکار و خانه‌نشین هستند و عملاً فعالیتی ندارند. اصلی‌ترین دلیلش این است که کنسرت دادن در شرایط فعلی دشوار است. باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که سلیقه مردم را نسبت به موسیقی ایرانی یا چیزهایی که در فضای مجازی است یا کنسرت‌هایی که در حال اجراست عوض کرده‌اند. البته من هیچ کنسرتی را رد نمی‌کنم و معتقدم هر کنسرتی که اجرا می‌شود خوب است، ولی واقعیت این است که اغلب کنسرت‌های امروز بیشتر به جشن عروسی شباهت دارند تا این که مخاطب به شکل جدی به تماشای یک رویداد موسیقایی بنشیند. این عوامل باعث شده تا سلیقه مردم به تدریج نسبت به موسیقی ایرانی عوض شود.

من هم نمی‌دانم
چاره این مسئله چیست،
فقط می‌دانم که باید کار

خودمان را انجام دهیم.

در این سال‌ها کم نبوده‌اند جشنواره‌هایی که با محوریت موسیقی نواحی برگزار شده‌اند، به عنوان مثال، در حال حاضر جشنواره‌ای به این نام داریم، یا همین‌طور یکی از بخش‌های جشنواره موسیقی فجر را موسیقی نواحی تشکیل می‌دهد. به نظر شما این رویدادها در این سال‌ها چقدر توانسته‌اند عامه مردم را با زوایای پیدای پنهان موسیقی نواحی هر منطقه از ایران آشنا کنند؟

البته نمی‌شود اسم موسیقی که مادر کنسرت اخیر اجرا کردیم را موسیقی بومی گذاشت، چون هر کدام از قطعات این کنسرت ساخته و آرکستر اسیون شده است. موسیقی بومی به این معنی است که از یک نقطه جغرافیایی بیاید و به شکل ابتدایی، یعنی همان‌طور که هست اجرا شود. در مجموع، باید از هر دوی این موسیقی‌ها حمایت کرد. هر چند امروز در کشور ما حتی آرکستر سمفونیک هم باقی نمانده است، چه برسد به انواع دیگر موسیقی. شکی نیست که

